

فلسفه ی پوشش در اسلام

ما برای پوشش زن از نظر اسلام فلسفه ی خاصی قائل هستیم که نظر عقلی آن را موجه می سازد و از نظر تحلیل می توان آن را مبنای حجاب در اسلام دانست.

وظیفه ی پوشش که اسلام برای زنان مقرر کرده است بدین معنی نیست که از خانه بیرون نروند. زندانی کردن و حبس زن در اسلام مطرح نیست.

پوشش زن در اسلام این است که زن در معاشرت خود با مردان بدن خود را بپوشاند و به جلوه گری و خودنمایی نپردازد.

سیمای حقیقی مسأله ی حجاب

حقیقت امر این است که در مسأله ی پوشش - و به اصطلاح عصر اخیر حجاب - سخن در این نیست که آیا زن خوب است پوشیده در اجتماع ظاهر شود یا عریان؟ روح سخن این است که آیا زن و تمتعات مرد از زن باید رایگان باشد؟ آیا مرد باید حق داشته باشد که از هر زنی در هر محفلی حداکثر تمتعات را به استثنای زنا ببرد یا نه؟

اسلام که به روح مسائل می نگرد جواب می دهد: خیر، مردان فقط در محیط خانوادگی و در کادر قانون ازدواج و همراه با یک سلسله تعهدات سنگین می توانند از زنان به عنوان همسران قانونی کامجویی کنند، اما در محیط اجتماع استفاده از زنان بیگانه ممنوع است. و زنان نیز از اینکه مردان را در خارج از کانون خانوادگی کامیاب سازند به هر صورت و به هر شکل ممنوع می باشند.

درست است که صورت ظاهر مسأله این است که زن چه بکند؟ پوشیده بیرون بیاید یا عریان؟ یعنی آن کس که مسأله به نام او عنوان می شود زن است و احیاناً مسأله با لحن دلسوزانه ای طرح می شود که آیا بهتر است زن آزاد باشد یا محکوم و اسیر و در حجاب؟ اما روح مسأله و باطن مطلب چیز دیگر است و آن اینکه آیا مرد باید در بهره کشی جنسی از زن، جز از جهت زنا، آزادی مطلق داشته باشد یا نه؟ یعنی آن که در این مسأله ذی نفع است مرد است نه زن، و لاقول مرد از زن در این مسأله ذی نفع تر است. به قول ویل دورانت:

«دامنهای کوتاه برای همه ی جهانیان بجز خیاطان نعمتی است.»

پس روح مسأله، محدودیت کامیابیها به محیط خانوادگی و همسران مشروع، یا آزاد بودن کامیابیها و کشیده شدن آنها به محیط اجتماع است. اسلام طرفدار فرضیه ی اول است.

از نظر اسلام محدودیت کامیابیهای جنسی به محیط خانوادگی و همسران مشروع، از جنبه ی روانی به بهداشت روانی اجتماع کمک می کند، و از جنبه ی خانوادگی سبب تحکیم روابط افراد خانواده و برقراری صمیمیت کامل بین زوجین می گردد، و از جنبه ی اجتماعی موجب حفظ و استیفای نیروی کار و فعالیت اجتماع می گردد، و از نظر وضع زن در برابر مرد، سبب می گردد که ارزش زن در برابر مرد بالا رود. فلسفه ی پوشش اسلامی به نظر ما چند چیز است. بعضی از آنها جنبه ی روانی دارد و بعضی جنبه ی خانه و خانوادگی، و بعضی دیگر جنبه ی اجتماعی، و بعضی مربوط است به بالابردن احترام زن و جلوگیری از ابتدال او.

حجاب در اسلام از یک مسأله ی کلی تر و اساسی تری ریشه می گیرد و آن این است که اسلام می خواهد انواع التذاذهای جنسی، چه بصری و لمسی و چه نوع دیگر، به محیط خانوادگی و در کادر ازدواج قانونی اختصاص یابد، اجتماع منحصراً برای کار و فعالیت باشد. برخلاف سیستم غربی عصر حاضر که کار و فعالیت را با لذتجوییهای جنسی به هم می آمیزد اسلام می خواهد این دو محیط را کاملاً از یکدیگر تفکیک کند.

اکنون به شرح چهار قسمت فوق می پردازیم:

آرامش روانی

نبودن حریم میان زن و مرد و آزادی معاشرتهای بی بند و بار هیجانها و التهابهای جنسی را فزونی می بخشد و تقاضای سکس را به صورت یک عطش روحی و یک خواست اشباع نشدنی درمی آورد. غریزه ی جنسی غریزه ای نیرومند، عمیق و «دریا صفت» است، هرچه بیشتر اطاعت شود سرکش تر می گردد، همچون آتش که هرچه به آن بیشتر خوراک بدهند شعله ورتر می شود. برای درک این مطلب به دو چیز باید توجه داشت:

۱. تاریخ همان طوری که از آزمندان ثروت یاد می کند که با حرص و آزی حیرت آور در پی گردآوردن پول و ثروت بوده اند و هرچه بیشتر جمع می کرده اند حریصتر می شده اند، همچنین از آزمندانی در

زمینه‌ی مسائل جنسی یاد می‌کند. اینها نیز به هیچ وجه از نظر حس تصرف و تملک زیارویان در یک حدی متوقف نشده‌اند. صاحبان حرامسراها و درواقع همه‌ی کسانی که قدرت استفاده داشته‌اند چنین بوده‌اند.

کریستن سن نویسنده‌ی کتاب ایران در زمان ساسانیان در فصل نهم کتاب خویش می‌نویسد:

«در نقش شکار طاق بستان فقط چند تن از سه هزار زنی که خسرو (پرویز) در حرم داشت می‌بینیم. این شهریار هیچ گاه از این میل سیر نمی‌شد. دوشیزگان و بیوگان و زنان صاحب اولاد را در هر جا نشان می‌دادند به حرم خود می‌آورد. هر زمان که میل تجدید حرم می‌کرد نامه‌ای چند به فرمانروایان اطراف می‌فرستاد و در آن وصف زن کامل عیار را درج می‌کرد. پس عمّال او هر جا زنی را با وصف نامه مناسب می‌دیدند به خدمت می‌بردند.»

از این گونه جریانها در تاریخ قدیم بسیار می‌توان یافت. در جدید این جریانها به شکل حرمسرا نیست، به شکل دیگر است، با این تفاوت که در جدید لزومی ندارد کسی به اندازه‌ی خسرو پرویز و هارون الرشید امکانات داشته باشد. در جدید به برکت تجدد فرهنگی، برای مردی که یک صد هزارم پرویز و هارون امکانات داشته باشد میسر است که به اندازه‌ی آنها از جنس زن بهره‌کشی کند.

۲. هیچ فکر کرده‌اید که حس «تغزل» در بشر چه حسی است؟ قسمتی از ادبیات جهان عشق و غزل است. در این بخش از ادبیات، مرد، محبوب و معشوق خود را ستایش می‌کند، به پیشگاه او نیاز می‌برد، او را بزرگ و خود را کوچک جلوه می‌دهد، خود را نیازمند کوچکترین عنایت او می‌داند، مدعی می‌شود که محبوب و معشوق «صد ملک جان به نیم نظر می‌تواند بخرد، پس چرا در این معامله تقصیر می‌کند»، از فراق او دردمندانه می‌نالد.

این چیست؟ چرا بشر در مورد سایر نیازهای خود چنین نمی‌کند؟ آیا تاکنون دیده‌اید که یک آدم پول پرست برای پول، یک آدم جاه پرست برای جاه و مقام غزلسرایی کند؟! آیا تاکنون کسی برای نان غزلسرایی کرده است؟ چرا هر کسی از شعر و غزل دیگری خوشش می‌آید؟ چرا همه از دیوان حافظ اینقدر لذت می‌برند؟ آیا جز این است که همه کس آن را با زبان یک غریزه‌ی عمیق که سراپای وجودش را گرفته

است منطبق می بیند؟ چقدر اشتباه می کنند کسانی که می گویند یگانه عامل اساسی فعالیت‌های بشر عامل اقتصاد است. !!

بشر برای عشق‌های جنسی خود موسیقی خاصی دارد، همچنانکه برای معنویات نیز موسیقی خاص دارد، در صورتی که برای حاجت‌های صرفاً مادی از قبیل آب و نان موسیقی ندارد.

من نمی خواهم ادعا کنم که تمام عشق‌ها جنسی است و هم هرگز نمی گویم که حافظ و سعدی و سایر غزلسرایان صرفاً از زبان غریزه ی جنسی سخن گفته اند. این مبحث، مبحث دیگری است که جداگانه باید بحث شود.

ولی قدر مسلم این است که بسیاری از عشق‌ها و غزل‌ها عشق و غزل‌هایی است که مرد برای زن داشته است. همین قدر کافی است که بدانیم توجه مرد به زن از نوع توجه به نان و آب نیست که با سیر شدن شکم اقناع شود، بلکه یا به صورت حرص و آز و تنوع پرستی درمی آید و یا به صورت عشق و غزل. ما بعداً در این باره بحث خواهیم کرد که در چه شرایطی حالت حرص و آز جنسی تقویت می شود و در چه شرایطی شکل عشق و غزل پیدا می کند و رنگ معنوی به خود می گیرد.

به هر حال اسلام به قدرت شگرف این غریزه ی آتشین توجه کامل کرده است.

روایات زیادی درباره ی خطرناک بودن «نگاه»، خطرناک بودن خلوت با زن، و بالأخره خطرناک بودن غریزه ای که مرد و زن را به یکدیگر پیوند می دهد وارد شده است.

اسلام تدابیری برای تعدیل و رام کردن این غریزه اندیشیده است و در این زمینه، هم برای زنان و هم برای مردان تکلیف معین کرده است. یک وظیفه ی مشترک که برای زن و مرد هر دو مقرر فرموده مربوط به نگاه کردن است:

قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ يَعْضُوا مِنْ أَبْصَارِهِمْ وَ يَحْفَظُوا فُرُوجَهُمْ . . . قُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ يَعْضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ وَ يَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ . . .

خلاصه ی این دستور این است که زن و مرد نباید به یکدیگر خیره شوند، نباید چشم چرانی کنند، نباید نگاه‌های مملو از شهوت به یکدیگر بدوزند، نباید به قصد لذت بردن به یکدیگر نگاه کنند. یک وظیفه هم خاص زنان مقرر فرموده است و آن این است که بدن خود

را از مردان بیگانه پوشیده دارند و در اجتماع به جلوه‌گری و دلربایی نپردازند، به هیچ وجه و هیچ صورت و با هیچ شکل و رنگ و بهانه‌ای کاری نکنند که موجبات تحریک مردان بیگانه را فراهم کنند. روح بشر فوق العاده تحریک پذیر است. اشتباه است که گمان کنیم تحریک پذیری روح بشر محدود به حد خاصی است و از آن پس آرام می‌گیرد.

همان طور که بشر- اعم از مرد و زن- در ناحیه‌ی ثروت و مقام از تصاحب ثروت و از تملک جاه و مقام سیر نمی‌شود و اشباع نمی‌گردد، در ناحیه‌ی جنسی نیز چنین است.

هیچ مردی از تصاحب زیبارویان و هیچ زنی از متوجه کردن مردان و تصاحب قلب آنان و بالأخره هیچ دلی از هوس سیر نمی‌شود.

و از طرفی تقاضای نامحدود خواه ناخواه انجام ناشدنی است و همیشه مقرون است به نوعی احساس محرومیت. دست نیافتن به آرزوها به نوبه‌ی خود منجر به اختلالات روحی و بیماریهای روانی می‌گردد.

چرا در دنیای غرب اینهمه بیماری روانی زیاد شده است؟ علتش آزادی اخلاقی جنسی و تحریکات فراوان سکسی است که به وسیله‌ی جراید و مجلات و سینماها و تئاترها و محافل و مجالس رسمی و غیررسمی و حتی خیابانها و کوچه‌ها انجام می‌شود.

اما علت اینکه در اسلام دستور پوشش اختصاص به زنان یافته است این است که میل به خودنمایی و خودآرایی مخصوص زنان است. از نظر تصاحب قلبها و دلها مرد شکار است و زن شکارچی، همچنانکه از نظر تصاحب جسم و تن، زن شکار است و مرد شکارچی. میل زن به خودآرایی از این نوع حس شکارچیگری او ناشی می‌شود.

در هیچ جای دنیا سابقه ندارد که مردان لباسهای بدن نما و آرایشهای تحریک کننده به کار برند. این زن است که به حکم طبیعت خاص خود می‌خواهد دلبری کند و مرد را دلباخته و در دام علاقه‌ی به خود اسیر سازد. لهذا انحراف تبرج و برهنگی از انحرافهای مخصوص زنان است و دستور پوشش هم برای آنان مقرر گردیده است.

ما درباره‌ی طغیان پذیری غریزه‌ی جنسی و اینکه برخلاف ادعای افرادی مانند راسل غریزه‌ی جنسی با آزاد گذاشتن کامل و خصوصاً با فراهم کردن وسائل تحریک هرگز سیر نمی‌شود و اشباع نمی‌گردد و

همچنین درباره ی انحراف «چشم چرانی» در مردان و انحراف «تبرج» در زنان، باز هم بحث خواهیم کرد .

۲ استحکام پیوند خانوادگی

شک نیست که هر چیزی که موجب تحکیم پیوند خانوادگی و سبب صمیمیت رابطه ی زوجین گردد برای کانون خانواده مفید است و در ایجاد آن باید حداکثر کوشش مبذول شود، و بالعکس هر چیزی که باعث سستی روابط زوجین و دلسردی آنان گردد به حال زندگی خانوادگی زیانمند است و باید با آن مبارزه کرد.

اختصاص یافتن استمتاع و التذاذهای جنسی به محیط خانوادگی و در کادر ازدواج مشروع، پیوند زن و شوهری را محکم می سازد و موجب اتصال بیشتر زوجین به یکدیگر می شود.

فلسفه ی پوشش و منع کامیابی جنسی از غیرهمسر مشروع، از نظر اجتماع خانوادگی این است که همسر قانونی شخص از لحاظ روانی عامل خوشبخت کردن او به شمار برود؛ در حالی که در سیستم آزادی کامیابی، همسر قانونی از لحاظ روانی یک نفر رقیب و مزاحم و زندانبان به شمار می رود و در نتیجه کانون خانوادگی براساس دشمنی و نفرت پایه گذاری می شود.

علت اینکه جوانان امروز از ازدواج گریزانند و هر وقت به آنان پیشنهاد می شود، جواب می دهند که حالا زود است، ما هنوز بچه ایم، و یا به عناوین دیگر از زیر بار آن شانه خالی می کنند همین است؛ و حال آنکه در قدیم یکی از شیرین ترین آرزوهای جوانان ازدواج بود. جوانان پیش از آنکه به برکت دنیای اروپا کالای زن اینهمه ارزان و فراوان گردد «شب زفاف را کم از تخت پادشاهی» نمی دانستند.

ازدواج در قدیم پس از یک دوران انتظار و آرزومندی انجام می گرفت و به همین دلیل زوجین یکدیگر را عامل نیکبختی و سعادت خود می دانستند، ولی امروز کامجوییهای جنسی در غیرکادر ازدواج به حد اعلی فراهم است و دلیلی برای آن اشتیاقها وجود ندارد.

معاشرتهای آزاد و بی بند و بار پسران و دختران ازدواج را به صورت یک وظیفه و تکلیف و محدودیت درآورده است که باید آن را با توصیه های اخلاقی و یا احیاناً - چنانکه برخی از جراید پیشنهاد می کنند- با اعمال زور بر جوانان تحمیل کرد.

تفاوت آن جامعه که روابط جنسی را محدود می کند به محیط خانوادگی و کادر ازدواج قانونی، با اجتماعی که روابط آزاد در آن اجازه داده می شود این است که ازدواج در اجتماع اول پایان انتظار و محرومیت، و در اجتماع دوم آغاز محرومیت و محدودیت است. در سیستم روابط آزاد جنسی پیمان ازدواج به دوران آزادی دختر و پسر خاتمه می دهد و آنها را ملزم می سازد که به یکدیگر وفادار باشند و در سیستم اسلامی به محرومیت و انتظار آنان پایان می بخشد.

سیستم روابط آزاد اولاً موجب می شود که پسران تا جایی که ممکن است از ازدواج و تشکیل خانواده سر باز زنند و فقط هنگامی که نیروهای جوانی و شور و نشاط آنها رو به ضعف و سستی می نهد اقدام به ازدواج کنند و در این موقع زن را فقط برای فرزند زادن و احياناً برای خدمتکاری و کلفتی بخواهند، و ثانیاً پیوند ازدواجهای موجود را سست می کند و سبب می گردد به جای اینکه خانواده بر پایه ی یک عشق خالص و محبت عمیق استوار باشد و هر یک از زن و شوهر همسر خود را عامل سعادت خود بداند برعکس به چشم رقیب و عامل سلب آزادی و محدودیت ببیند و چنانکه اصطلاح شده است یکدیگر را «زندانبان» بنامند.

وقتی پسر یا دختری می خواهد بگوید ازدواج کرده ام، می گوید برای خودم زندانبان گرفته ام. این تعبیر برای چیست؟ برای اینکه قبل از ازدواج آزاد بود هر کجا بخواهد برود، با هر کس بخواهد برقصد، بلاسد، هیچ کس نبود که بگوید بالای چشمت ابروست. ولی پس از ازدواج این آزادیها محدود شده است، اگر یک شب دیر به خانه بیاید مورد مؤاخذه ی همسرش قرار می گیرد که کجا بودی؟ و اگر در محفلی با التهاب با دختری برقصد همسرش به او اعتراض می کند. واضح است که روابط خانواده در چنین سیستمی تا چه اندازه سرد و سست و غیرقابل اطمینان است.

بعضیها مانند برتراند راسل پنداشته اند که جلوگیری از معاشرتهای آزاد صرفاً به خاطر اطمینان مرد نسبت به نسل است؛ برای حل اشکال، استفاده از وسائل ضدآبستنی را پیشنهاد کرده اند؛ در صورتی که مسأله، تنها پاکی نسل نیست؛ مسأله ی مهم دیگر ایجاد پاکترین و صمیمی ترین عواطف بین زوجین و برقرار ساختن یگانگی و اتحاد کامل در کانون خانواده است. تأمین این هدف وقتی ممکن است که زوجین از

هرگونه استمتاع از غیرهمسر یا همسران قانونی چشم بپوشند، مرد چشم به زن دیگر نداشته باشد و زن نیز درصدد تحریک و جلب توجه کسی جز شوهر خود نباشد و اصل ممنوعیت هر نوع کامیابی جنسی در غیر کادر خانواده حتی قبل از ازدواج هم رعایت گردد.

به علاوه، زنی که تا اینجا پیش رفته است که به پیروی از امثال راسل و تقلید از صاحبان مکتب «اخلاق نوین جنسی» با داشتن همسر قانونی عشق خود را در جای دیگر جستجو می کند و با مرد مورد عشق و علاقه ی خود همبستر می شود، چه اطمینانی هست که به خاطر همسر قانونی که چندان مورد علاقه اش نیست وسائل ضدآبستنی به کار برد و از مرد مورد عشق و علاقه ی خود آستن نشود و فرزند را به ریش همسر قانونی نبندد؟ قطعاً چنین زنی مایل است که فرزندی که به دنیا می آورد از مرد مورد علاقه اش باشد نه از مردی که فقط به حکم قانون همسر اوست و الزاماً به حکم قانون نباید از غیر او آستن شود. همچنان مرد نیز طبعاً علاقه مند است که از زن مورد عشق و علاقه اش فرزند داشته باشد نه از زنی که با زور قانون به او پیوند کرده اند. دنیای اروپا عملاً نشان داده است که با وجود وسائل ضدآبستنی آمار فرزندان غیرمشروع وحشت آور است.

۳ استواری اجتماع

کشانیدن تمتعات جنسی از محیط خانه به اجتماع، نیروی کار و فعالیت اجتماع را ضعیف می کند. برعکس آنچه که مخالفین حجاب خرده گیری کرده اند و گفته اند:

«حجاب موجب فلج کردن نیروی نیمی از افراد اجتماع است» بی حجابی و ترویج روابط آزاد جنسی موجب فلج کردن نیروی اجتماع است.

آنچه موجب فلج کردن نیروی زن و حبس استعدادهای اوست حجاب به صورت زندانی کردن زن و محروم ساختن او از فعالیتهای فرهنگی و اجتماعی و اقتصادی است و در اسلام چنین چیزی وجود ندارد. اسلام نه می گوید که زن از خانه بیرون نرود و نه می گوید حق تحصیل علم و دانش ندارد- بلکه علم و دانش را فریضه ی مشترک زن و مرد دانسته است- و نه فعالیت اقتصادی خاصی را برای زن تحریم می کند. اسلام هرگز نمی خواهد زن بیکار و بیعار بنشیند و وجودی عاطل و باطل بار

آید. پوشانیدن بدن به استثنای وجه و کفین مانع هیچ گونه فعالیت فرهنگی یا اجتماعی یا اقتصادی نیست.

آنچه موجب فلج کردن نیروی اجتماع است آلوده کردن محیط کار به لذتجوییهای شهوانی است.

آیا اگر پسر و دختری در محیط جداگانه ای تحصیل کنند و فرضاً در یک محیط درس می خوانند دختران بدن خود را بپوشانند و هیچ گونه آرایشی نداشته باشند بهتر درس می خوانند و فکر می کنند و به سخن استاد گوش می کنند یا وقتی که کنار هر پسری یک دختر آرایش کرده با دامن کوتاه تا یک وجب بالای زانو نشسته باشد؟ آیا اگر مردی در خیابان و بازار و اداره و کارخانه و غیره با قیافه های محرک و مهیج زنان آرایش کرده دائماً مواجه باشد بهتر سرگرم کار و فعالیت می شود یا در محیطی که با چنین مناظری روبرو نشود؟ اگر باور ندارید، از کسانی که در این محیطها کار می کنند بپرسید. هر مؤسسه یا شرکت یا اداره ای که سخت مایل است کارها به خوبی جریان یابد از این نوع آمیزشها جلوگیری می کند. اگر باور ندارید تحقیق کنید.

حقیقت این است که این وضع بی حجابی رسوا که در میان ماست و از اروپا و آمریکا هم داریم جلو می افیم از مختصات جامعه های پلید سرمایه داری غربی است و یکی از نتایج سوء پول پرستی ها و شهوترانیهای سرمایه داران غرب است، بلکه یکی از طرق و وسائلی است که آنها برای تخدیر و بی حس کردن اجتماعات انسانی و درآوردن آنها به صورت مصرف کننده ی اجباری کالاهای خودشان به کار می برند.

«اطلاعات» ۹۵/۴۷/ گزارشی از اداره ی کل نظارت بر مواد خوردنی، آشامیدنی، آرایشی نقل کرده است. درباره ی لوازم آرایش چنین می نویسد:

«تنها در ظرف یک سال ۲۱۰ هزار کیلو مواد و لوازم آرایش از قبیل ماتیک، سرخاب، کرم، پودر، سایه ی چشم برای مصرف خانمها وارد شده است. از این مقدار ۱۸۱ هزار کیلوگرم آن انواع کرم بوده است. در این مدت به ۱۶۵۰ قوطی و ۲۵۰۰ دوجین پودر صورت و ۴۶۰۴ عدد روژ لب، ۲۲۸۰ عدد صابون لاغری، ۲۲۸۰ آمپول آرایشی اجازه ی ورود داده شده است. البته باید ۳۱۰۰ عدد سایه ی چشم و ۲۴۰۰ خط چشم را نیز به آن اضافه کرد. »

آری باید زن ایرانی به بهانه‌ی «تجدد» و «تقدم» و «مقتضیات زمان» هر روز و هر ساعت با وسائلی که در دنیای سرمایه داری تهیه می شود خود را در معرض نمایش بگذارد تا بتواند چنین مصرف کننده‌ی لایقی برای کارخانه های اروپایی باشد. اگر زن ایرانی بخواهد خود را فقط برای همسر قانونی و یا برای حضور در مجالس اختصاصی زنان بیاراید، نه مصرف کننده‌ی لایقی برای سرمایه داران غربی خواهد بود و نه وظیفه و مأموریت دیگرش را که عبارت است از انحطاط اخلاق جوانان و ضعف اراده‌ی آنان و ایجاد رکود در فعالیت اجتماعی، به نفع استعمار غرب انجام خواهد داد.

در جامعه های غیرسرمایه داری با همه‌ی احساسات ضد مذهبی که در آنجا وجود دارد کمتر شنیده می شود که چنین رسواییها به نام آزادی زن وجود داشته باشد.

۴ ارزش و احترام زن

قبلاً گفتیم که مرد به طور قطع از نظر جسمانی بر زن تفوق دارد. از نظر مغز و فکر نیز تفوق مرد لااقل قابل بحث است. زن در این دو جبهه در برابر مرد قدرت مقاومت ندارد، ولی زن از طریق عاطفی و قلبی همیشه تفوق خود را بر مرد ثابت کرده است.

حریم نگه داشتن زن میان خود و مرد یکی از وسائل مرموزی بوده است که زن برای حفظ مقام و موقع خود در برابر مرد از آن استفاده کرده است.

اسلام زن را تشویق کرده است که از این وسیله استفاده کند. اسلام مخصوصاً تأکید کرده است که زن هر اندازه متین تر و باوقارتر و عفیفت‌تر حرکت کند و خود را در معرض نمایش برای مرد نگذارد بر احترامش افزوده می شود.

بعداً در تفسیر آیات سوره‌ی احزاب خواهیم دید که قرآن کریم پس از آنکه توصیه می کند زنان خود را بپوشانند می فرماید: «ذَلِكَ أَدْنَىٰ أَنْ يُعْرَفْنَ فَلَا يُؤْذَيْنَ» یعنی این کار برای اینکه به عفاف شناخته شوند و معلوم شود خود را در اختیار مردان قرار نمی دهند بهتر است و در نتیجه دور باش و حشمت آنها مانع مزاحمت افراد سبکسر می گردد.

دانلود کامل کتاب مسأله حجاب
شهید مطهری جهت مطالعه بیشتر –
کلیک کنید.